

بازتاب مسأله کشف حجاب در اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی

افسانه روشن

کشف حجاب از مسائل مناقشه برانگیز دوره پهلوی اول است که در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ رسماً و علناً به اجرا گذارده شد. پذیرش چنین مسأله ای از سوی جامعه آن زمان به راحتی امکان پذیر نبود و این نکته شاه را بر آن می داشت تا مقدمات لازم را فراهم نماید.

سیاست های نوینی که رضاشاه تا آن زمان به کار گرفته بود، تا حد زیادی با این مسأله هم سو و هماهنگ بود. او که قبل از به سلطنت رسیدن جهت تحقق پادشاهی، چهره ای مذهبی از خود نشان داده بود، پس از آن سیاستی کاملاً متضاد در پیش گرفت؛ رضاشاه از آنجا که مذهبی بودن جامعه ایران لاجرم نفوذ اجتماعی فوق العاده روحانیت و در نتیجه تهدید قدرت مطلقش را به همراه داشت، سعی کرد چهره اسلامی را از جامعه بزدايد و باستان گرایی، تجددگرایی و سکولاریسم و ناسیونالیسم را تا حد زیادی در مقابله با فرهنگ اسلامی و روحانیت مورد توجه قرار دهد. شاه رسم قدیمی بست نشینی و تحصن در اماکن مقدس را از اهمیت انداخت، تظاهرات عمومی در عید قربان و زنجیرزنی در ماه محرم را غیرقانونی کرد و برای عزاداری در ماه محرم محدودیت هایی قائل شد، به دانشکده های پزشکی دستور داد تعصب مسلمانان را در حرمت کالبدشکافی نادیده بگیرند و مهمتر از همه دستور داد که دولت همه املاک و زمین های وقفی را تصرف نماید. بنابراین نه تنها در حوزه سیاست بلکه در امور قضایی، اجتماعی و اقتصادی سعی در کاهش دادن نفوذ روحانیون نمود. سفیر وقت انگلیس نگرانی خود را از پیامدهای این اقدامات غیردینی اینگونه ابراز کرد: «شاه که قدرت روحانیون را از بین می برد، این گفته ناپلئون را فراموش کرده است که هدف اساسی مذهب جلوگیری از کشتار اغنیا به دست تهیدستان و فقر است. اکنون چیزی نیست که جای مذهب را بگیرد،

جز ملی‌گرایی ظاهری که شاید با مرگ شاه از بین برود و هرج و مرج به دنبال آورد.^۱ می‌توان به طور جدی زمینه‌سازی کشف حجاب سال ۱۳۱۴ ه.ش را قانون متحدالشکل کردن لباس در سال ۱۳۰۷ ه.ش دانست. به موجب ماده اول این قانون کلیه اتباع ایران که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند در داخله مملکت موظفند که ملبس به لباس متحدالشکل شوند. کلیه مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری مکلف به پوشیدن لباس مخصوص در زمان اشتغال به کار شدند. این امر در همان سال با مخالفت مردم تبریز روبرو شد و شخصی به نام آقا شیخ غلام حسین تبریزی از مردم دعوت کرد با بانگ الله اکبر مخالفت خود را نشان دهند. این مخالفت‌ها تا سال ۱۳۱۴ ه.ش ادامه یافت.^۲ در اوایل این سال به دستور شاه کلاه مردم تغییر و استعمال کلاه پهلوی ممنوع شد و مردم مقید به استعمال کلاه تمام لبه (شاپو) شدند. دولت طی اعلامیه‌ای متذکر شد تمام افراد کشور مقیدند کلاه بین‌المللی را استفاده نمایند.

اصرار رضاشاه بر شبیه کردن ایران به کشورهای اروپایی و طرد سنت‌های بومی با سفرش به ترکیه و دیدار آتاتورک در سال ۱۳۱۳ ه.ش تشدید شد. این مسافرت که به توصیه و تلاش فروغی و دعوت آتاتورک برای بازدید مظاهر تمدن اروپایی و اقتباس آن‌ها برای ایران صورت گرفته بود، به رغم اصلاحاتی که برای کشور به ارمغان آورد، در زمینه دینی و مذهبی عواقبی داشت. عیسی صدیق با تأکید بر این نکته که عاملی که رضاشاه را مصمم به اقدام برای کشف حجاب کرد سفر ترکیه بود، به تأثیر تحولات ترکیه به خصوص در حشر و نشر مرد و زن و اشتغال زنان ترک بر رضاشاه اشاره نموده و از قول مستشارالدوله صادق سفیر ایران در ترکیه نقل می‌کند که شبی پس از پایان ضیافت رسمی، وقتی شاه به محل اقامت خود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابید و قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه با صدای بلند می‌گفت: عجب! عجب! و به مستشارالدوله گفت: «من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم، مخصوصاً در تربیت دختران و بانوان و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم.»^۳

سخنان رضاشاه به محمود جم رئیس‌الوزرا در تاریخ ۱۱ آذر ماه ۱۳۱۴ تأثیرپذیری او از ترکیه را در صدور دستور کشف حجاب صراحتاً نشان می‌دهد: «نزدیک دو سال است که این موضوع - کشف حجاب - سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنده‌های آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش بدوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است.»^۴ قانون کشف حجاب در دی ماه ۱۳۱۴ ه.ش تصویب و بخشنامه آن رسماً به تمام ولایات ایران ارسال گردید. رضاشاه در روز هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ که اولین روز اجرای قانون کشف حجاب بود، به همراه ملکه و دختر بزرگش که بی‌حجاب بوده و لباس اروپایی بر تن داشتند، برای اعطای گواهینامه فارغ‌التحصیلان در دانشسرای عالی حضور یافتند. آن روز رضاشاه طی نطقی زنان و دختران را چنین مورد خطاب قرار داد: «شما زنها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست

آورده اید برای خدمت به کشور خود از آن استفاده کنید... شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه شما این است که برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست.»^۵

جهت پیشبرد سیاست کشف حجاب در جامعه دو گونه اقدام صورت گرفت: اقدامات تبلیغی و اقدامات بازدارنده و انتظامی.^۶ که دسته اول در راستای تشویق و ترغیب زنان به برداشتن حجاب و دسته دوم به منظور ممانعت آنان از داشتن حجاب بود.

از میان سیاست‌های تجددگرایانه رضاشاه، کشف حجاب از آن جهت که به طور مستقیم عقاید مذهبی مردم را هدف قرار می‌داد، از بیشترین حساسیت برخوردار بود و از همین رو طبیعتاً واکنشی منفی از سوی طبقات عمدتاً مذهبی جامعه به دنبال داشت. خصوصاً اینکه این قانون اجباری بود و محدودیت‌هایی را برای متخلفان به دنبال داشت. به عنوان مثال مقامات عالی رتبه اگر با همسران بدون حجاب خود در میهمانی‌های رسمی حضور نمی‌یافتند، احتمالاً مقام خود را از دست می‌دادند. کارکنان رده پایین حکومت نیز اگر همراه زنان بی حجاب خود در خیابان‌ها به گردش نمی‌پرداختند، جریمه و مجازات می‌شدند. بنابراین مردم این اقدامات را نه آزادی زنان بلکه نوعی سرکوب قلمداد کردند.^۷

مسأله کشف حجاب در اسناد مجلس شورای اسلامی تنها با وجود ۳ سند در این خصوص بازتاب یافته است. تاریخ دو سند مربوط به ۱۳۱۴ ه. ش و یک سند به ۱۳۱۶ ه. ش مربوط می‌شوند که تصویری جالب توجه از واکنش مردم جامعه به مسأله کشف حجاب ارائه می‌دهند.

نکته دیگری که در این اسناد انعکاس یافته، پیامدها و عواقبی است که کشف حجاب به عنوان پدیده‌ای نوظهور می‌توانست برای جامعه آن دوران به همراه آورد. مسأله مهم در رابطه با این اسناد، نحوه برخورد مأموران دولتی با مردم در خصوص کشف حجاب است. این اسناد حکایت از رشوه‌گیری و کلاهبرداری این مأموران دارد که در کنار سایر اطلاعاتی که این اسناد به دست می‌دهند، جهت تحلیل تاریخ اجتماعی این دوران قابل اعتنا می‌باشند.

مسأله مهم آنکه این اسناد واکنش‌های متفاوت جامعه به مسأله کشف حجاب را نشان می‌دهند؛ رویکردی مذهبی که شدیداً با این مسأله مخالفت می‌ورزید و آن را برخلاف نص صریح قرآن معرفی می‌نمود و رویکردی تجددگرایانه که موافق کشف حجاب و آن را لازمه پیشرفت و ترقی ایران می‌دانست؛ چرا که به زعم آنان کشف حجاب امکان حضور بهتر و بیشتر زنان را در جامعه فراهم می‌نمود.

۳ شهریور ۱۳۱۴
 منبر نور در کاشی شده به در گانه

۵
 سیده امیر ۱۴ که در دهه ۱۳۱۴ که در حین زرع می نویسد که کفته
 قشنگ در در از بهر ت ۱۳۶۶ که در اینجا به زرع می نویسد
 و نام در این چهار شرف از بهر ت که کفته به هم است کشف حجاب
 فدا شد به به شرف است که همان کفته را گرفته نقد کرده و خبر فدا
 کردم به در زاده نور رسید و سیو کشته شد عجز خدا را که کشته شد
 و کشته شد و در ده کس از تمام جسته اند و کشته شد در روز عجم لادانه
 کتم از شرف زاده که در شرف کشته و در روز چهارم از خانه سفر بود
 خانه که همان است بهر در شرف که به شرف در روز چهارم در شرف
 اعلمت به نور پس در علاج محمود هم خود را به هم از شرف و شرف در
 در خدمت و در خدمت عمل و در خدمت و در خدمت و در خدمت و در خدمت
 بهر شرف رسید که فراتر از بهر را کشته و شرف

نصر
 کاشی
 ۱۳۱۴
 ۱۶
 ۱۳۹۱۰۹

سند ۱: به شماره ۱۰/۱۸۱/۳۰/۱/۳۰ در بخش اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

۳ اسفندماه ۱۳۱۴

مجلس شورای ملی شید الله ارکانه

لیله ۱۵ بهمن ماه ۱۴ که در مدرسه دولتی جمالی اسداباد جشن رفع حجاب نسوان بود، کمینه قشنگ دارای هویت نمره ۲۶۹۶ یکی از آنها بود که رفع حجاب نمودم. بعد از دو یوم در میان حصار یکنفر از همسایه خانه که عبدالله اسم است بخیال اینکه رفع حجاب نسوان مایه بی شرفی است گریبان کمینه را گرفته بقصد سوء عمل. فریاد کردم برادرزاده شوهر رسید، وسیله نجات شد. عرض خود را بحکومت وقت و پست امنیه داده، پس از اتمام دوسیه امنیه و حکومتی مدعی را دو روز حبس، روزانه سوم مرخص نموده آزادانه گردش میکند. کمینه دیگر رو ندارم از خانه بیرون بروم. چنانچه مجازات اسلامی در مقابل اینکه بی شرفی دو روز حبس است در عصر اعلیحضرت پهلوی، پس لاعلاج مجبورم خود را انتهار نموده تا این بی شرفی را در جنب پرده خداوند علا اعلی داد مظلومان را بگیرد. محض رضای پرودگار بعرض کمینه رسیدگی فرمایید دوسیه را بخوانید

قشنگ

{حاشیه:}

کمیسیون عرایض

۱۴/۱۲/۱۰

{مهر:} ثبت کل مجلس شورای ملی

نمره ۲۹۱۰

تاریخ ۱۴/۱۲/۹

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- سند فوق که مربوط به دو سال پس از کشف حجاب می باشد، نشان می دهد که این مسأله تبعات خود را برای جامعه باقی می گذارد. با توجه به چنین اسنادی به راحتی می توان دریافت که مسأله کشف حجاب چه مسائل تازه ای و بحران هایی در جامعه آفریده است. نکته قابل توجه دیگر این سند آنکه نشانگر طرز تلقی و برداشت جامعه از کشف حجاب است.

سند ۲: به شماره ۱۰/۱۶۱/۱۷/۱/۲۷ در بخش اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

مجلس شورای ملی

۱۴/۱۰/۲۷

می بینیم که در اثر توجهات کامله و نتیجه افکار شاهنشاهی و زمامداران امور مملکتی بطوریکه باید، ایران در جاده ترقی داخل و کوچکترین قدمیکه هیئت محترم دولت بر میدارند صلاح ملک و ملت را قوام هست هم استفاده های کامل حاصل آن کرده و می کند. مثلاً برداشتن حجاب (شیء زیادی) که امرش چه امر بجا و چقدر مستلزم ترقی بشر و اسایش اتیه جوانان مملکت خواهد بود که یکقسمت ان مختص ازدواج است که حقیقتاً قسمت عمده راحتی و اسایش اتیه جوانان مملکت منحصر بهمین قسمت خواهد بود که با نداشتن حجاب دیگر در امر زناشویی پشیمانی حاصل نشده و راحتی اتیه بشری بهدر نمی رود. متدرجاً نسوانهم خواهند توانست که در جامعه و اصلاح امورات شرکت جویند، ولی افسوس که بدو بایست بملت ایران عقل را تزریق نمود و این قسمت خالی از اشکال نخواهد بود. هنوز دیده می شود که قسمتی از برداشتن حجاب امتناع دارند و نمی فهمند که از چادر چیزی ساخته نیست. چنانچه ملت حس میکرد فواید برداشتن حجاب و مضرات حجاب و سایر اقدامات شایان دولت را، شاید خود را موظف بانجام اوامر چنین دولتی دانسته و اجرای احکام و اوامر هیئت دولت امروزی را یکی از فرائض و بهترین راه پیشرفت و ترقی خود میدانست. چنانچه دولت بوسائل ممکنه بدو نتایج مفیده اقدامات و اثر افکار خود را که کوچکترین قدمش موجب ترقی و آسایش و سربلندی افراد ایران است، بمغز ایرانی جای میداد، شاید افراد ایران هم تکانی بخود داده و از خواب غفلت بیدار و بیش از این خود و نوع بیچاره خود را در ضلالت باقی نمی گذاشتند. آنهم انتظار داریم که در اثر افکار فکوران و زمامداران امور در اتیه نزدیکی اصلاح و اخرا امر این طرق منظوره بانتهای رسیده و عجلتاً هم نسوان را اقلأ تا سن بیست سالگی جداً وادار به برداشتن حجاب نمائید.

- سند فوق که نظری موافق با کشف حجاب را نشان می دهد، وجود دیدگاه های مختلف در جامعه در این خصوص را نیز متذکر می شود. هویت نویسنده این نامه به مجلس شورای ملی مشخص نیست، اما سند می تواند نمایانگر دیدگاه آن طیفی از جامعه باشد که حجاب را یکی از موانع پیشرفت و ترقی دانسته و تجدد و ترقی ایران را با اعمال تغییراتی اساسی در جامعه مد نظر داشته اند.

نصفه در کار خلاصه هممون بر بار کنه

۱۳۷۱/۱۲/۱۲

با این بیان دست ارسام درست گفتم است و بر ما که گفته بودند که ختم خدا بر گرفت اولاً همان چهار ما که گفت شما و حکومت راه ای هیچ نظیر
شده و کینه زود نه البته حجاب ما نبود با هم از هر دو جهت دفع بقیه رخصی از دست و حال آنکه ما دعوت اسلام و تعهدی بیش از دیگران نبود
تایید در این زمان تقدیر بود علی با این بیخ با یک مکتب خود از اجتهاد کلان مردان و مشورای این مردم در دست بخیزد با این قدرت م مردم را نکتند
غداً همه میزبان دوست را ما فرزند و کلانان فاضل و بیگانه در دست مردم با نکت سفینه سران نکتست که حقوق ما به بخیزد بر قدرت دولت دینا کینه
اگر بتوانیم سکند خفتند میگویند این بیان خواست دولت شعنی باشد و در هر حال دولت ایران با او در ظاهر و باطن عاقلانه کار نمی کردند و هر وقت مردم متفق می شدند
گردان ما کینه است که بگویند ما نمی توانیم در این بیان است و ما می توانیم در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
همین در ظرف با قدرت ستوانی که داشت با ما کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
اینها که گفتند است که ما کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
نسبت دفع تصور نکتند این کار و دولت از طرف دیگر ما کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
که بر هر دو جهت کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
فردان کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
باید گرفت ام قدرت ما کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
دست او کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
در وضعی کینه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
کلیاتی بیگانه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است
سنگین از طرف عنوان و مردم بیگانه است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است که در این بیان است

سند ۳: به شماره ۱۰/۱۴۸/۱۳/۱/۴۲۸ در بخش اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

{حاشیه:} امضاء روشن ندارد

۱۶/۱/۱۶

نمایندگان ملت اسلام درست کلمات این چاکر را تعمق کنید بالاخره نتیجه خواهند گرفت اولاً سوال میکنم از شما که ملت شما را و کالت داده، آیا بچه نظر شما را و کیل کرده اند {؟} البته جواب خواهید داد که برای آسایش و رفاهیت و رفع ظلم و تعدی از ملت و حال آنکه ما ملت مشاهده می کنیم که ظلم و تعدی بیشتر از پیش شده. نهایت در آن زمان تعدی بنوعی بود، در این زمان نوع دیگر. مثل آنکه یک عده از آخوندهای کلاش مرده خر کلاه های شرعی برای مردم درست میکردند بانواع و اقسام مردم را لخت میکردند. فعلاً مأمورین دولت راه های قانونی و کلاه های قانونی برای مردم درست کرده، مردم را لخت میکنند. سزاوار نیست شما حقوق ملت را بخورید، بر ضرر ملت اقدام کنید. اگر بتوانید مسأله خیانت و رشوه را از میان اجزاء ملت بزدايید مثل آنکه تمام مردم را حیات دوباره داده اید. البته از ابتداء لباس و کلاه قانون دارند، مأمورین دولت مردم را اذیت میکنند. مردم متعصب در دین که الان ۳۰۰ سالست که نظام نامه بگوشش خوانده میشود در مجالس و منابر که لباس دین و پیغمبران لباس است، عبا و عمامه و شال سی سال یا چهل سال یا شصت سال است که در این لباس بود، کی زیر بار لباس قانون می رود {؟} ابدأ نمی رود. ازین طرف مأمور دولت وقت، منتظر که کسی کلاه نداشته باشد فوراً جلب میکند؛ نه برای اجرای قانون برای اینکه یک ریال پول بیکار بگیرد. هیچ وقت شنیده شده که در قراها نه مرکزها پنج تومان جریمه لباس گرفته شود. این بر اثر خیانت است، همانطور مسئله حجاب و کلاه در اجراء قوانین مسئله رشوه و خیانت بر طرف نشده. اگر واقعاً منظور اجراء قانونست فکر بهتر ازین برای اجراء قانون بکنید و اگر هم مقصود اجراء قانون نیست، دفع تعدی کنید فقط بمردم دهاتی و عوام. آخوندها و ملاها این طور حرفها ندادند و گوشزد آنها کرده که لباس دین را بردند لباس کفر کردند، راه زیارت سیدشهدا(ع) مسدود کردند، مال موقوفه را جلوگرفتن، ناموس شما را سر برهنه کردند. مدت سیصد سال است که محبت اهل بیت یتیمی و سرپرست بودن دختران علی(ع) را برای ما روضه خانی میکنند، از موقع کشف حجاب دیگر بر مصائب آنها گریه نمیکنم در موقع روضه بر مصیبت ناموس خودمان گریه کنیم که رسوا شدند. آخر یا برای دنیا کار کنید فقط یا برای آخرت. تمام این قوانین که اجازه کرده اید همه برخلاف قران است و دلیل عقلی و نقلی و اجماع علما برخلاف این قانون است. قران کریم است که حجاب را برای زن واجب، شما کشف حجاب کرده. مثل روز و افتاب روشن میکنند به صریح قران و ثابت میکنند علما برخلاف دین و قران و کتاب اقدام کرده اید. آخر فکر مرگ هم کرده باشید. بیاد آخرت هم قدری باشید. شما قصد کرده اید که دین را بردارید، هم ریشه اسلام را میخواهید قطع کنید و هم ریشه مردم را که بی اصل باشند و از پا بیافته. اما ریشه اسلام که معلوم است همه این قوانین برخلاف اسلام است. اما ریشه مردم معلوم است که مردم زیر بار این قانون ها

نمیروند ولی بهانه برای امنیه هاست که مردم را اذیت کنند و پول بگیرند که این مرد کلاه ندارد یا چرا این زن چادر شب دارد یا آنکه چرا روضه خوانی میکنند. مقصودش از این حرفها همه گرفتن پول. این پول ها که امنیه های پست به سلطان میدهند که ما آن به فلان پست دانسته بفرستد برای مداخله و دخل. یا آنکه وکیل ایشان را که در محل باشد، پنج تومان بدهند، تمام این قانون ها زیر پا نهاده میشود، زیرا که وکیل پست مطلع است که کی سلطان میاید، اطلاع میدهد که زنها بیرون نیایند از خانه که سلطان میخواهد بیاید یا برای همان پول که گرفته می گوید امروز کلاه مردم بسرشان بگذارند که میخواهد سلطان بیاید. ولی برای رضای خدا و خوشنودی رسول خدا ملاحظه حال مردم را بکنید که رعیت پامال است .

حقیر، چوپان

- سند فوق که تاریخش مربوط به دو سال پس از قضیه کشف حجاب است، نشانگر دیدگاه طیف مذهبی جامعه به این مسأله است و این نکته که گذشت زمان موافقت این گروه غالب جامعه را در این خصوص جلب نمی کرد. نکته مهمی که این سند در بردارد، نحوه رفتار مأموران با مردم در اجرای قانون کشف حجاب است که ضمن آن به معضل رشوه و خیانت نیز اشاره دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بازدید رضاشاه و محمدرضا پهلوی ولیعهد از صف دانش آموزان
در استان مازندران پس از کشف حجاب^۱



تاج الملوک پهلوی و همراهان وی هنگام خروج از جایگاه مخصوص
در میدان جلالیه تهران پس از شرکت در مراسم کشف حجاب



حضور جمعی از مقامات کشوری و لشکری در مراسم کشف حجاب در یکی از شهرستانها



شرکت جمعی از دانشجویان دختر دانشسرای مقدماتی در مراسم سالگرد واقعه کشف حجاب



بازدید رضاشاه از زنان لرستان پس از کشف حجاب



جمعی از زنان پس از کشف حجاب با لباس جدید در مراسم استقبال از رضاشاه

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، تهران، نشرنی، ص ۱۷۵.
- ۲ - مدنی، جلال‌الدین؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، پاورقی ص ۲۴۲ و ۲۴۴.
- ۳ - بصیرت منش، حمید؛ علما و رژیم رضاشاه، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۸، ص ۶۳.
- ۴ - صلاح، مهدی، کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸.
- ۵ - حکایت کشف حجاب، ص ۲۵.
- ۶ - مهدی صلاح، کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، ص ۱۴۳.
- ۷ - پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۷۹.
- ۸ - تصاویر برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی است: <http://www.irdc.ir/news.asp?id=۲۸۳۴>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی